



استاد محمد علی جاودان

غیبت کردیم یا انتقاد؟

از راهی او را اصلاح کنی یا با گفتن به مسئول مربوطه می‌خواهی او راهی برای حل مسئله پیدا کند و عیب برطرف شود، مانعی ندارد. حتی اگر پدر و مادر غیبت کنند، بایستی آن‌ها را از این کار نهی کرد و از مؤمن غایب دفاع کرد؛ البته با کمال ادب، اخلاق، اظهار کوچکی و تواضع در برابر والدین. دلگیر شدن آن‌ها هم، چون به خاطر گناهی است که می‌کنند، مانعی برای فرزند ایجاد نمی‌کند. در هر صورت شما وظیفه‌ی مقابله با گناه و دفاع از مؤمن را بر عهده دارید. حال اگر آن‌ها به دفاع شما اعتنا نمی‌کنند و به غیبتشان ادامه می‌دهند، بایستی از مجلس آن‌ها برخیزید؛ اما همه‌ی کارها را باید با فکر و محاسبه انجام دهید که دلگیری و ناراحتی بی‌جا به وجود نیاید.

غیبت این است که عیب برادر و خواهر مؤمنی را در پشت سر او بگویید؛ عیبی که مخفی بوده و کسی از آن خبر نداشته است؛ و فرقی نمی‌کند که برای عیب‌جویی باشد یا برای گله و یا به‌عنوان انتقاد. مهم این است که عیب مخفی یک مؤمن را برای کسانی که آن را نمی‌دانند، بگویید و آشکار کنید؛ بنابراین اگر مسئله مورد بحث، عیبی آشکار است، مثلاً حرفی است که در جمع مردم گفته شده، دیگر غیبت نیست. البته زمانی که از عیب آشکار به قصد عیب‌جویی سخن بگویید، از سردشمنی یا برای تخریب و یا از روی حسادت و امثال این‌ها، ممکن است بازهم حکم غیبت را داشته باشد؛ پس اگر برای حل مشکل، آن را به کسی می‌گویید در حالی که تو نمی‌خواهی او را خراب کنی، بلکه می‌خواهی

دکتر مریم حاج عبدالباقی

تربیت به سبک لقمان



آمادگی رابطه قلبی و نزدیک با خدا را دارند. یا این‌که لقمان به فرزندش درباره‌ی معاد توصیه می‌کند؛ اما نه معادی که وابسته به بهشت و جهنم باشد؛ یعنی نمی‌گوید انسان در دنیا باید مزدور یا برده‌وار رفتار کند؛ بلکه می‌گوید در انجام هر کاری فقط خدا را ببین و طرف حسابت خداوند باشد. همچنین لقمان از زبان خداوند فرزندش را به احترام به پدر و مادر سفارش می‌کند. این یعنی نباید احترام به والدین از زبان خودشان مطرح شود بلکه هر کدام از والدین باید فرزند را به احترام دیگری توصیه کند و خود نیز به همسر احترام بگذارد.

قرآن کتاب آموزش است. آیات این کتاب آسمانی برای کسی که آمادگی داشته باشد، بهترین ابزار زندگی است. یکی از توصیه‌های قرآنی، توصیه‌هایی است که از جانب لقمان به فرزندش انجام گرفته که نکات تربیتی بسیاری در آن وجود دارد. مانند این‌که فرزند را با محبت مخاطب قرار می‌دهد؛ زیرا تمام انسان‌ها تشنه‌ی محبت و محبوبیت هستند و در رفتار با فرزندان باید از راه اظهار محبت وارد شد. برخی از والدین نسبت به شرک فرزندان خود بی‌توجه هستند و به جای تربیت الهی، کودک را تابع حرف و نظر دیگران تربیت می‌کنند در صورتی که کودکان

بزرگ کردن ده فرزند بدون بوسه!



ببین». ممکن است کسی ده فرزند تربیت کند، منتها به خاطر این که به عنوان پدر یا مادر فرزندان محبت و احترامی برای آن‌ها قائل نشد، این فرزندان دچار کمبود محبت و عقده حقارت شوند. این افراد وقتی هم که وارد جامعه بشوند، اذیت می‌کنند؛ بار جامعه می‌شوند و هزینه‌دار هستند. چرا؟ به خاطر این که از پدر و مادر محبت و احترام ندیده‌اند. نه تنها حاضر نیستند حرف پدر و مادرشان را بشنوند، وقتی در اجتماع هم وارد می‌شوند حرف کسی را، حرف قانون را و حرف ارزش‌های جامعه را بر نمی‌تابد. خط روی ماشین مردم می‌کشند، درست رانندگی نمی‌کنند و ...

اگر محبت و احترام متقابل را میان اعضای خانواده داشته باشیم، این قدر بین اعضای خانواده گسست ایجاد نمی‌شود. یکی از دلایل اصلی که فضای مجازی منجر به گسست میان والدین و فرزندان ما شده، این است که آن محبت و احترام متقابل از دست رفته است. ما همان طور که انتظار داریم فرزندانمان به ما احترام کند، ما هم به عنوان پدر یا مادر باید برایش ارزش قائل شویم. شخصی خدمت پیامبر ﷺ گفت: خدا به من ده فرزند داده است و یاد ندارم یکی از آن‌ها را بوسیده باشم؛ پیامبر ﷺ فرمود: «اگر خواستی قیافه یک نفر اهل عذاب را ببینی، قیافه خودت را درآینه

خواسته‌های دم دستی



درک می‌کند که چه بخواهد و از چه کسی بخواهد. اگر رابطه‌ها به درستی تمییز داده شود، اراده و اقتدار انسان به سرچشمه فیض متصل می‌شود. انسان میل به ابدیت و یک وضعیت مطلوب دارد. هر چند در زمین زندگی می‌کند اما ریشه‌اش در ملکوت است؛ بنابراین هویت او ملکوتی است و زمینی نیست. اگر نگاه چنین انسانی به پایین و زمین باشد، خواسته‌هایش دم دستی و نیازهایش در حد ابتدایی می‌شود. اگر انسان از آن ریشه‌های باعظمت پایین افتاد، دعاها و خواسته‌هایش ابتدایی می‌شود.

انسان اگر مبدأ را رها کند، هویتش متلاشی می‌شود؛ چرا که سیر حرکت انسان به سوی کمالات است. خدای متعال می‌فرماید درخواست کنید، تا اجابت کنم. وعده خداوند حتمی بوده و حد و مرزی برای آن مشخص نشده است. در حقیقت دعا فرصتی بسیار مهم و مغتنم برای پیوند انسان به ملکوت است. از طرفی معمولاً یکی از معیارهایی که می‌توان با آن انسان‌ها را محک زد، درخواست است. انسان آزاده، عزت انسانی‌اش را با خواسته‌های کوچک زیر سؤال نمی‌برد؛ بلکه در خصوص کمیت و کیفیت درخواستش تدبیر و تعقل می‌کند. او این نکته را